

روابط متقابل خانواده و تیزهوش

بررسی مطالعات

ناصرالدین کاظمی حقیقی

در این مقاله، تعامل خانواده و تیزهوش مورد بررسی قرار می‌گیرد. تصور خانواده از تیزهوش، اساس این تعامل را تشکیل می‌دهد. نظام انگیزشی، توانایی‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری خاص تیزهوش، کانون‌های تأثیر وی بر خانواده است و خانواده نیز از طریق ساختار خانواده، تعامل خانوادگی، انتقال فرهنگ، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، جامعه‌پذیری و تعامل اجتماعی، بر فرد تیزهوش تأثیر می‌گذارد

تصور خانواده از تیزهوش

خانواده و بویژه والدین، یکی از معتبرترین منابع اطلاعاتی برای تشخیص افراد تیزهوش بشمار می‌آیند. حتی این اعتبار تشخیص توسط والدین، بیش از معلمان است (۶۱٪ در برابر ۵۶/۷٪). علیرغم وثوق علمی والدین در امر تشخیص، بایستی خاطر نشان ساخت که معهدا، توهماتی اساسی در تصور والدین و بطور کلی خانواده، از پدیده تیزهوشی وجود دارد. توهماتی که کم و بیش از لحاظ تئوری حتی بر افکار و نقطه نظرات نظریه پردازان، روان‌سنجان، و به تبع آنها، دست‌اندرکاران نهادهای تعلیم و تربیت ویژه تیزهوش، حاکم است. به عبارت دیگر، هنوز زوایای مفهوم و ساختار تیزهوشی به عنوان یک «سازه» در هاله‌ای از ابهام برای روان‌شناسان و نظریه پردازان قرار دارد.

نکته مسلم آنکه تیزهوشی به مفهوم وسیع آن، توانایی و قابلیت برجسته‌ای است که، در ورای مفاهیمی صرفاً هوشی (با شاخص هوشبهر I.Q.) جای دارد.^{۲۵} یعنی ابزارها و آزمون‌های هوشی، بخش اندکی از مفهوم و ساختار تیزهوشی، (همراه با کلیه توانایی‌ها و قابلیت‌های آن) را می‌سنجند. حداقل می‌توان بیان داشت که تیزهوشی، مجموعه‌ای از استعدادها، خصوصیات شخصیتی و الگوهای رفتاری ویژه‌ای را در بر می‌گیرد که ابزارها قادر به تشخیص آنها نیستند. بنابراین اقدامات روان‌سنجی و تشخیصی، نظیر ساخت ابزارها و آزمون‌های ویژه، بایستی پس از روشن شدن زوایا و جوانب ساختار تیزهوشی انجام گیرد^{۱۹}

در این گفتار قصد آن را نداریم که به بیان توهمات و سوءتفاهم‌های مذکور و یا رفع آنها بپردازیم، بلکه صرفاً اشاره‌ای کوتاه به وجود این تصورات غیر واقع‌بینانه گردید که کم و بیش در کلیه محافل و منابع مربوط (نظریه پردازی، روان‌سنجی، تعلیم و تربیت، خانواده و جامعه در سطح جهانی) وجود دارد.

در اینجا، تصور خانواده و به ویژه والدین از تیزهوشی و نقش و تأثیر متقابل تیزهوش بر خانواده، با توجه به جدیدترین یافته‌های روان‌شناسی تیزهوش مورد تشریح قرار می‌گیرد. در واقع تصور خانواده از پدیده تیزهوش است که روابط، تعامل و برخورد‌های مختلف خانوادگی را با تیزهوش شکل می‌دهد.

الف - تأثیر تیزهوش بر خانواده

ساخت شخصیتی و روانی یعنی مجموعه توانایی‌ها، نیازها، انگیزه‌ها و الگوهای رفتاری فرد تیزهوش است که کم و بیش بر روی ساختار خانواده و شخصیت افراد خانواده (و از جمله والدین) تأثیر می‌گذارد و حتی نوع رفتار خانوادگی و نقش و مقام این نهاد را در سطح جامعه شکل می‌دهد و تعدیل می‌سازد.

نقطه آغازین این تعدیل سازی را از سوی تیزهوش، باید در حیطه انگیزشی او جستجو نمود. حیطه و قلمرو انگیزشی تیزهوش که در خود، نیازهای ویژه ای را گرد آورده است، براساس توانایی‌ها و قابلیت‌های فردی، به هدایت برخی الگوهای رفتاری خاص، (و از جمله نحوه تعامل خانوادگی) می‌پردازد. پس، این حیطه، اهمیتی بنیادین در روابط خانوادگی دارد. اساساً می‌توان گفت نیازهای خاصی در تیزهوش قرار دارد که مجموعه آنها، از ویژگی‌های اساسی او بشمار می‌رود، بنحوی که موجب تمایز او از افراد عادی می‌گردد.

امروزه در تحقیقات انگیزشی تیزهوش، به نیاز «خود گردانی»^۸ اهمیت فوق العاده ای داده می‌شود. این نیاز، گرچه در افراد عادی نیز وجود دارد، اما در فرد تیزهوش، برجستگی خاصی را دارا می‌باشد، تمایل قوی به انجام فعالیت‌ها به طور مستقل و فردی، پیامد وجود چنین نیازی است. نیازهای پذیرش اجتماعی، حمایت از سوی دیگران، مورد تشویق و ترغیب قرارگیری، فعالیت‌های تربیتی متناسب با فرد، مشارکت با تیزهوشان همسال و دسترسی به کتب مناسب و منابع یادگیری، مجموعه‌ای از اساسی‌ترین نیازهای تیزهوش محسوب می‌شوند.^{۲۶}

نیاز به خود گردانی امور و فعالیت‌ها، زمینه ای انگیزشی را در فرد تیزهوش مهیا می‌سازد که مسئولیت و تعهد بپذیرد. این نیاز در کنار نوعی نگرش (بازخورد) ویژه یعنی «کفایت خود»^۷ واقع می‌شود. این نگرش در فرد تیزهوش، یکی از وجوه تمایز او از افراد عادی است.

مفهوم نگرش فوق این است که تیزهوش در مقایسه با افراد عادی، برای خویش قابلیت و شایستگی فوق العاده ای در یک امر خاص، قائل است بطوری که بتواند کار و یا تکلیف مورد نظر را به بنحو شایسته ای به انجام برساند. به سادگی دریافت می‌شود که نیاز به «خود گردانی» با نگرش «کفایت خود» سازگاری و تجانس دارد.

بعضی از مطالعات آشکار می‌سازند که استقلال و خود مختاری در امور، در طبقه ای خاص از افراد تیزهوش یعنی تیزهوشان در زمینه علوم پایه و ریاضی، (در مقایسه با سایر تیزهوشان و افراد فوق العاده تیزهوش) نمود بیشتری دارد.^{۱۱}

بنابراین به نظر می‌رسد که شدت و ضعف استقلال و نیاز به خود گردانی باید بستگی به نوعی تیزهوشی داشته باشد. این نکته‌ای قابل ملاحظه برای اطرافیان تیزهوش (بویژه خانواده) است که به تفاوت های فردی وسیع، میان این جمعیت اندک

($\frac{۶}{۱۰۰۰}$ جامعه) توجه نمایند. بدین معنا که هم اکنون، طبقات (تیپ‌های) گوناگون و متعددی از تیزهوشی به دست آمده است: پیشرفته تحصیلی، رهبر، خلاق (ریاضی، علوم و پایه، مهارت های کلامی، هنر) و... زمینه های اساسی مقوله کلی تیزهوشی است. بدیهی است که هر یک از طبقات مذکور، دارای ویژگی‌های شخصیتی، روانی و شناختی خاص خویش می‌باشند. به بیان ساده، تفاوت دو فرد تیزهوش بیش از تفاوت دو فرد عادی از یکدیگر است و برعکس، شباهت افراد عادی بیش از شباهت افراد تیزهوش به یکدیگر است. روند تیپ شناسی در تیزهوش، نشان می‌دهد که تحقیقات آینده، بیشترین تعداد طبقات شخصیتی جوامع بشری را در میان افراد تیزهوش، بدست خواهد داد.

در این گفتار، جنبه‌های مشترک پدیده تیزهوشی مورد توجه قرار می‌گیرد. «نیاز به خود گردانی» و «کفایت خود»، از جمله جنبه‌های مزبور هستند که موجب تمایز فرد تیزهوش از دیگران می‌شوند.

نگرشی دیگری نیز در میان تیزهوشان برجستگی دارد که در حقیقت نوعی « اسناد»^۲ بشمار می‌آید. تیزهوشان موفقیت و پیشرفت در امور را به کوشش و تلاش و فعالیت فردی، اسناد می‌دهند.^۳ دو عقیده فوق به موازات «تصور از خود»^۶ قوی در تیزهوش، نوعی بافت اعتقادی را پدید می‌آورد که به موضع‌گیری قابل ملاحظه فردیت وی در برابر جهان خارج و محیط برونی (از جمله خانواده) می‌انجامد. بافت اعتقادی مزبور، براساس قلمرو انگیزشی ویژه، اقتضاء می‌کند تا الگوهای رفتاری خاص و فعالیت‌های فردی (به ویژه در موقعیت‌های رقابت آمیز) انجام می‌گیرد. کوشش‌هایی که شخص تیزهوش، آنها را بطور درونی، نظارت و ارزیابی می‌نماید و هر گونه کنترل و مداخله محیطی و خارجی را نسبت به اعمال و فعالیت‌های شخصی خویش، بیهوده و زائد می‌انگارد و گاهی در قبال آنها، به مقاومت‌هایی متوسل می‌شود.

بافت اعتقادی، نظام انگیزشی و «کانون نظارت درونی»^۴ به تکوین هویت و تمامیت فردی تیزهوش در صحنه خانواده و جامعه یاری می‌دهد.

به رسمیت شناختن این هویت فردی ویژه از سوی خانواده، اولین نقطه تأثیری است که تیزهوش آن را بر خانواده خویش تحمیل می‌کند. شکل‌گیری، تعدیل و تغییر تعامل خانوادگی و گاهی نقش و مقام اجتماعی خانواده، پیامد طبیعی روند مزبور است.

هنگامی تعدیل بر خورد های خانواده با، « واقعیت تیزهوش » جدی تر می‌شود که به جهت گیری و خط مشی خاص تیزهوش توجه کنیم:

گاهی توانایی‌ها و قابلیت‌های ذهنی و شناختی برجسته تیزهوش، در والدین و اعضای خانواده، انتظاراتی را ایجاد می‌کند که با خط مشی و اهداف فرد تیزهوش تعارض دارد. این می‌تواند یکی از نقاط اصطکاک طرفین باشد.

و گاهی، موفقیت تیزهوش در موقعیت‌های رقابت آمیز فردی، موجب تعارض با اهداف بلند مدت تربیتی و پرورشی می‌گردد.^{۱۳} و این نیز می‌تواند یکی دیگر از زمینه‌های اساسی برای اصطکاک میان نظام ارزشی خانواده و جامعه، با اعتقادات تیزهوش باشد. یعنی تیزهوش در فعالیت‌های فردی خویش، هدفی را می‌جوید که گاهی مورد نظر و پذیرش هنجارهای جامعه و خانواده نیست.

بنابراین تأثیر تیزهوش بر خانواده را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. نظام انگیزشی خاص، شامل اهداف، تمایلات و نیازها.
۲. قابلیت‌ها و توانایی‌های گوناگون ذهنی و شناختی
۳. بافت اعتقادی و موضع‌گیری ویژه تیزهوش
۴. الگوهای رفتاری اختصاصی (شامل فعالیت‌های مستقل فردی)

ب - تأثیر خانواده بر تیزهوش

پیش از هر چیز، این نکته را باید تأکید نمود که خانواده و بویژه والدین کودکان تیزهوش نیازهای تربیتی خاصی دارند. محورهای اساسی نیازهای ویژه والدین را می‌توان اینگونه بر شمرد:

۱. ارزیابی و تشخیص تیزهوشی فرزند
۲. مشاوره با کارشناسان و صاحب نظران در امور مربوط به فرزند تیزهوش خود.
۳. پرورش انگیزه در فرزند تیزهوش
۴. تقویت احساس مسئولیت و تعهد پذیری در وی
۵. رشد اجتماعی وی
۶. گسترش ارتباط والدین و مدرسه

والدین، نیاز شدیدی دارند که در محورهای فوق الذکر، از آموزش کافی برخوردار شوند.^{۱۴ و ۲۷}

معهداً بطور طبیعی، خانواده، تأثیراتی اساسی در فرد تیزهوش می‌نهد. پس از تعدیل تعاملی خانواده بر اثر مواجهه با حیطه‌های چهارگانه تأثیر گذاری تیزهوش بر خانواده، فرد تیزهوش نیز بنوبه خود کم و بیش، تحت تأثیر محیط خانوادگی خویش واقع می‌شود.

مطالعات روان شناختی جدید حاکی است که خانواده حداقل سه نقش را در قبال فرد تیزهوش ایفا می‌کند. این نقش‌ها، نقاط اساسی تأثیر بخشی خانواده بر تیزهوش است.

۱- ساختار خانواده و تعامل خانوادگی

وجود والدین در خانواده، تأثیر حیاتی بر بهداشت روانی و وضعیت تحصیلی فرد تیزهوش دارد. زندگی در خانواده تک

والدینی (وجود یک پدر و یا یک مادر) بازتاب منفی در وضعیت تحصیلی فرد تیزهوش دارد.^{۱۸}

ضعف تحصیلی افراد تیزهوش در خانواده های تک والدینی، ممکن است به فرایند الگو سازی آنها بستگی داشته باشد. فرد تیزهوش با توجه به نیازهای پذیرش، حمایت اجتماعی و مورد تشویق و ترغیب قرار گیری، به ساختار خانوادگی مستحکمی احتیاج دارد که او را در تعاملات و مراودات اجتماعی یاری دهد.

در خانواده های تک والدینی، طبعاً امکان این مراقبت ویژه و فوق العاده از سوی خانواده، وجود ندارد، پس، فرد تیزهوش برای الگو سازی به دنیای بیرون از خانواده مراجعه می‌کند. طی این روند برای وی، سهل نخواهد بود. ضعف و شکست تحصیلی، بهای سنگینی است که به عنوان اولین آسیب بر تیزهوش وارد می‌آید.

برخی دیگر از روان شناسان، کانون دیگری از ساختار خانواده (یعنی تعداد فرزند) و ارتباط آن را با نوع خاصی از تیزهوشی، یعنی خلاقیت، مورد توجه قرار داده اند.

مطالعات آنها نشان می‌دهد که کودکان بدون خواهر و برادر عالیترین توانایی را در تفکر واگرا (بعنوان شاخصی از خلاقیت) داشته اند و در پی آنها فرزندان ارشد، کوچکترین فرزند و فرزندان میانی به ترتیب جای می‌گیرند. ضمن اینکه فرزندان دارای خواهر و برادر متعدد بیش از افرادی که دارای یک خواهر و یا یک برادر هستند، توانایی تفکر واگرا دارند. تعداد فرزندان یک خانواده در نحوه تعاملات و روابط خانوادگی مؤثر است. این روابط، ابتدا نگرش و موضع گیری (بازخورد) تیزهوش را تحت تأثیر قرار می‌دهد، حتی وجود اصطکاک در تعامل خانوادگی ناشی از فاصله سنی زیاد میان تیزهوش و سایر برادران و خواهران به تکوین « تصور از خود » تیزهوش کمک می‌کند.^{۱۹}

از سوی دیگر، در خانوادگی تک فرزندی مراقبت و توجه (حمایت، پذیرش، تشویق) خاصی مبذول می‌گردد. حتی این توجه و رسیدگی، به نوعی، درباره فرزندان ارشد و کوچکترین فرزند نیز وجود دارد.

۲- انتقال فرهنگ و طبقه اجتماعی - اقتصادی

روانشناسان در قبال تفاوت های فرهنگی، دو چشم انداز و نظرگاه اساسی را مورد بحث قرار می‌دهند:

الف - تشابه گرایی^۱

بر اساس این دیدگاه، فرهنگهای گوناگون علیرغم تفاوتها و پراکندگی های فراوان، زمینه های اساسی مشابه و همانندی دارند که تفاوت های عارضی را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهند. لذا ملاحظات تربیتی و آموزشی ویژه تیزهوشان، باید به همانندیها و شباهتهای فرهنگی، اصالت داده به اختلافات که اموری عارضی می‌باشند، وقعی ننهد.

ب - تنوع گرایی^۵

از این چشم انداز، اختلافات فرهنگی، امور و پدیده‌های ذاتی و بالاصاله می‌باشد، آنچنان که ممکن است شباهتهای آشکار را نیز تحت شمول و تأثیر خود قرار دهند، براساس دیدگاه مزبور، ضرورت دارد که اقدامات تربیتی و آموزشی تیزهوشان به اقتضای فرهنگ‌های گوناگون، انعطاف پذیر و متناسب شوند.

در هر حال این دو چشم انداز اساسی، نقطه نظرات متفاوتی را در جنبه‌های تربیتی تیزهوشان، مشهود ساخته مورد تأکید قرار می‌گیرند. نقطه نظرات مزبور، در ساختارهای زیر، خود را نشان می‌دهند:

۱) ضعف تحصیلی دانش آموز

۲) هدف و غایت تحصیل و آموزش

۳) روش‌ها و فنون تشخیص و سنجش

۴) فرایندهای آموزشی و مراحل آن

۵) محتوای دوره آموزشی^{۲۱}

طبیعی است که هر یک از دو دیدگاه مزبور، برای تفاوت‌های فرهنگی و مسائل مرتبط با آن، راه‌حل‌های گوناگونی را مورد تأکید قرار می‌دهند. خانواده‌ها نیز می‌توانند براساس پذیرش یکی از دو دیدگاه مزبور و یا حتی چشم اندازدیگر، به مسائل فرهنگی و تأثیر آن در کودکان تیزهوش، از زاویه خاصی بنگرند.

واقعیت مشهود، وجود تفاوت‌های فرهنگی در میان افراد تیزهوش است که خانواده، محور اساسی تکوین و شکل‌گیری ساختار فرهنگی خاص می‌باشد.

خانواده می‌تواند فرهنگ جامعه و یا فرهنگ خاص خویش را به فرد تیزهوش انتقال دهد. اولین تأثیر فرهنگ انتقالی بر روی نگرش‌ها، علایق و ارزش‌های شخصی تیزهوش است. این تأثیر بنوبه خود به الگوهای رفتاری و کیفیت و نحوه فعالیت تیزهوش منتقل شده سپس توانایی‌ها و قابلیت‌های وی (از جمله خصایص هوشی و ذهنی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینجاست که باید از تمایز قابل ملاحظه توانایی تیزهوشی و موفقیت در آزمون‌های هوشی (با شاخص هوشبهر I.Q.) سخن گفت.

در توضیح بیان فوق باید خاطر نشان ساخت که گاهی در برخی فرهنگ‌ها و نژادها (از جمله سیاهپوستان) میزان تیزهوشی، پابپای افزایش آن نژاد، پیش نمی‌رود و بطور کلی روند کندتری را طی می‌کند.^{۲۵}

صاحب نظران علل اساسی چنین پدیده‌ای را اینگونه بر می‌شمارند:

۱. روشها و شیوه‌های تشخیص ناقص

۲. فقدان توافق در یک تعریف پذیرفته شده جهانی از تیزهوش و مستعد

۳. اعتماد بیش از حد به آزمون‌های میزان شده

به زعم پژوهشگران مزبور، اقدامات زیر در حل مسائل فوق می‌توانند مفید باشند: ۱) آگاهی فرهنگی ۲) استفاده از نقش الگوها ۳) مشاوره گروهی ۴) فعالیت جامعه ۵) تربیت متناسب با جوامع چند فرهنگی ۶) سنجش ۷) اقدامات و مشارکت‌های والدین.^{۱۶}

علیرغم اختلافات فرهنگی، باید توجه داشت که شاخص‌های واضح و قاطعی از تیزهوشی در میان کودکان وجود دارد که تقویت آنها، ضروری است. اما مسائلی اساسی، جریان تشخیص را در فرهنگها و طبقات گوناگون اجتماعی، اقتصادی، دچار ابهام می‌سازند و ضرورت دارد که این مسائل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند:

۱. تبیین و روشن ساختن ساختار تیزهوشی

۲. بررسی رابطه موقعیت اقتصادی - اجتماعی با تشخیص تیزهوش^{۱۷}

خانواده‌ها نیز کم و بیش با این مسائل مواجه می‌باشند. آنها باید بدانند که رابطه‌ای مثبت و نیرومند میان پیشرفت تحصیلی و تربیتی با موقعیت اجتماعی - اقتصادی دانش آموز وجود دارد. فقر اقتصادی می‌تواند آثاری ناخوشایند در امر تشخیص و آموزش

افراد تیزهوش داشته باشد: فقدان انگیزه، تمایل یا گرایش نسبت به موفقیت و نیز امکان ممانعت از تشخیص کودکان تیزهوش و مستعدی که از لحاظ اقتصادی دچار محرومیت می‌باشند، می‌تواند پیامدهایی از فقر و فلاکت محسوب گردد. شاید بتوان با ترکیب شیوه‌های مختلف تشخیصی مانند آزمون‌های انفرادی هوش، مقیاس‌های درجه بندی رفتار، آزمون‌های مستقل از فرهنگ و بررسی موردی، بخشی از مسائل فرهنگی مزبور را حل نمود.^{۲۴}

بی تردید عوامل اجتماعی - اقتصادی با ساختار فرهنگی و ویژگی‌های آن، تجانس و هماهنگی دارند و حتی ممکن است در شکل‌گیری ترکیب فرهنگی خاصی، تأثیر گذارند. یعنی محیط فرهنگی ویژه ای را پی ریزی نمایند. خانواده به عنوان یک محیط فرهنگی، می‌تواند شرایطی را ایجاد کند که در شکوفایی تیزهوشی افراد بالقوه تیزهوش مؤثر باشد و یا برعکس آن را از بین ببرد.

فرهنگی که به حاکمیت اصل علیت در امور تأکید می‌کند، برای جهان‌نظمی گسترده قائل است، اراده انسان را سرنوشت ساز او می‌داند، به والدین در خانواده نقش‌های مکمل می‌دهد و سرانجام مشوق تلاش‌ها، پشتکارها و کوشش‌های طاقت فرسای فردی است. در واقع ارزش‌هایی را بهبود می‌بخشد که با نظام ارزشی و اعتقادی فرد تیزهوش سازگاری دارد.

مثلاً قابلیت‌های فردی تیزهوش، امکان این امر را می‌دهد که او به نحو مستقل و فردی به یادگیری بپردازد. این مفهوم را «خود فراگیری منظم»^۹ می‌نامند. «خود فراگیری منظم» با «کفایت خود» ارتباط دارد و به عنوان یکی از شاخص‌های تمیز دهنده از افراد عادی محسوب می‌گردد که به طور کلی در انواع تیزهوشی مشهود است. معهداً این نوع یادگیری مستقل فردی با دوران تحول ارتباط مستقیم دارد، یعنی فرایند مزبور با افزایش سن و طی مراحل تحول از ۱۱ سالگی تا ۱۷ سالگی، به تدریج افزایش می‌یابد.^{۲۸}

اگر فرهنگ خانواده، امکانات تحقیق فعالیتها و عملیات مستقل فردی را در تیزهوش فراهم آورد و آنها را هدایت کند در اصل، به شکوفایی تیزهوشی در فرزندان بالقوه تیزهوش خویش کمک کرده است. در اینجا، خانواده با الهام از فرهنگ خاص خویش، نقش راهنما را ایفاء می‌کند.

از سوی دیگر، اگر فرهنگی جهان‌هستی را مجموعه‌ای از پدیده‌های تصادفی و اتفاقی بداند، برای شانس، بخت و اقبال سهم عمده‌ای در تکوین امور و پدیده‌ها قائل باشد، ارزش‌های خانوادگی را بر اهداف شخصی تیزهوش، مستولی نماید و به پشتکار و کوشش فردی، ارجحیت دهد، زمینه‌های تیزهوشی را از ریشه می‌خشکاند و نابود می‌سازد.

فرهنگ خانواده می‌تواند بر گزینش شغلی فرزند تیزهوش بعنوان نقش اجتماعی آینده‌وی، تأثیر گذارد. در واقع خانواده، نقش تعدیل‌کننده را برای گزینش مشاغلی ایفاء می‌سازد که با لحاظ ترجیحات فردی تیزهوش، به انطباق با آن نظام ارزشی و هنجارهای اجتماعی بپردازد.

اساساً می‌توان بیان داشت که در قالب نظام ارزشی جامعه، گزینش‌های شغلی تیزهوش بطور فردی موجب پدید آمدن گنجینه سرشاری از منابع انسانی خواهد شد.

۳- جامعه پذیری و تعامل اجتماعی

یکی از اساسی‌ترین نقش‌های خانواده در قبال فرد تیزهوش، یاری دادن وی در جامعه‌پذیری است دیدگاه و نگرش والدین در نوع و شکل جامعه‌پذیری کودک تیزهوش مؤثر است. مثلاً آیا والدین در ملاک اجتماعی و تحصیلی پسران و دختران تیزهوش خود، بر حسب جنسیت، ملاک متفاوتی قائل می‌باشند؟

براساس یک پژوهش، تفاوتی از لحاظ ملاک جنسی بدست نیامد. آنچه که والدین به آنها اهمیت می‌دادند نظام ارزشی اجتماع بود و پس از آن تجانس و هماهنگی در گروه همسال، مورد تأکید قرار می‌گرفت.^{۱۲}

پیش از هر چیز باید این نکته را مورد مذاقه قرار داد که شکوفایی مهارت های شناختی فوق العاده و برجسته، بویژه در دوران طفولیت (سه یا چهار سالگی) گاهی ناشی از روابط متقابل اجتماعی است. این تعاملات اجتماعی (اعم از روابط خانوادگی و غیره) به فرایند خود رهبری در حل مسائل یاری می کند.^{۳۳}

ایجاد و حفظ تعامل اجتماعی تیزهوش با افراد عادی، یکی از معضلات اساسی وی است که با افزایش هوش، این مشکل نیز بیشتر می شود.

به عبارت دیگر، افراد هوشمند ($110 < IQ < 135$) روابط اجتماعی نسبتاً مطلوب و خوشایندی با جامعه عادی دارند اما افراد فوق العاده تیزهوش، احساس درون گرایی، ناسازگاری اجتماعی، شرم و خجالت را بروز می دهند و حتی روابط اندکی با همسالان خود بر قرار می سازند. بعضی از انواع تیزهوشی بویژه افراد فوق العاده تیزهوش در مهارت های کلامی، احساس کم اهمیتی و گمنامی را نیز اضافه می کنند.^{۱۵}

تعامل اجتماعی و جامعه پذیری تیزهوشان تحت تأثیر جنسیت است. دختران، عموماً به وسیله همسالان خود افرادی کج خلق، دمدمی و غمگین به نظر می رسند. پسران تیزهوش در مقایسه با افراد عادی، بیشترین قابلیت را در جامعه پذیری دارند و دختران تیزهوش کمترین سطح اجتماعی بودن را نشان می دهند. پسران، عموماً، شوخ طبع و اهل مزاح می باشند پسران تیزهوش در مقایسه با پسران غیر تیزهوش، از لحاظ جسمانی جذاب تر به نظر می رسند و در قیاس با دختران تیزهوش و افراد عادی، خلاق تر، زیرک تر و کمتر پرخاشگر انگاشته می شوند.

صاحب نظران براساس «دیدگاه تعاملی»^۳ منشأ مشکلات و مسائل سازگاری کودکان تیزهوش را در تقابل دو یا چند عامل دخیل در محیط اجتماعی و فیزیکی کودک می دانند. با توجه به این دیدگاه، والدین باید تشخیص دهند که در چه شرایطی لازم است به مداخله بپردازند. ضمن آنکه همکاری اولیاء و آموزشگاه باید توسعه یابد.^{۲۰}

خانواده می تواند براساس نوع تیزهوشی و سطح آن، نقش واسطه ای را میان تیزهوش و جامعه ایفا کند، یعنی به تدریج، حتی از اوان طفولیت از طریق آشنا سازی وی با مهارت های اجتماعی و ایجاد و حفظ روابط مزبور اقدام ورزد.

مهارت و چیره دستی عملی تیزهوش در روابط اجتماعی مستحکم و پایدار، اساسی ترین عامل بهداشت روانی و اجتماعی تیزهوش است و تعیین کننده زندگی و حیات طبیعی و سالم وی در آتیه می باشد.



یادداشتها

- ۱- Assimilationism
- ۲- Attribution
- ۳- Interactional-Model
- ۴- Internal Locus of Control
- ۵- Pluralism
- ۶- Self-concept
- ۷- Self-efficacy
- ۸- Self-Fulfilment
- ۹- Self-regulated learning

منابع

- ۱۰- کاظمی حقیقی، ناصرالدین، بررسی تجربی بازخورد تحصیلی نوجوانان تیزهوش (پایان نامه کارشناسی ارشد) - ۱۳۶۹، صفحات ۱۹۳ و ۱۹۴.
- ۱۱- Albert, Robert S. & Runco, Mark A. (Pitzer Coll, Claremont, CA) Independence and the creative potential of gifted and exceptionally gifted boys. *Journal of Youth & adolescence*, ۱۹۸۹ (Jun), Vol ۱۸(۳), ۲۲۱-۲۳۰.
- ۱۲- Anderson, Robert W. & Tollefson, Nona. Do parents of gifted students emphasize sex role orientations for their sons and daughters? *Roeper Review*, ۱۹۹۱ (Apr), Vol. ۱۳(۳), ۱۵۴-۱۵۷.
- ۱۳- Clinkenbeard, Pamela R. (U Georgia, Athens) The motivation to win: Negative aspects of success at competition, *Journal of Education for the Gifted*, ۱۹۸۹ (Sum), Vol. ۱۲(۴), ۲۹۳-۳۰۵.
- ۱۴- Dangel, Harry L. & Walker, Joseph J. (Georgia State U) An assessment of the needs of parents of gifted students for parent education programs. *Roeper Review*, ۱۹۹۱ (Sep), Vol. ۱۴(۱), ۴۰-۴۱.

- ۱۵- Dauber, Snsan L. & Benbow, Camilla P. (Johns Hopkins U, Baltimore. MD) Aspects of personality and peer relations of extremely talented adolescents. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۹۰ (Win), Vol. ۳۴(۱), ۱۰-۱۵.
- ۱۶- Ford, donna Y. & Harris, J. John. (U Kentucky, University counseling & Testing Ctr) on discovering the hidden treasure of gifted and talented Black children *Roepers Review*, ۱۹۹۰ (Sep-Oct), Vol. ۱۳(۱), ۲۷-۳۲.
- ۱۷- Frasier, Mary M. (U Georgia, National Research Ctr on the Gifted & Talented, Athens) response to Kitano: The sharing of giftedness between culturally diverse and non-diverse gifted students. *Journal for Education of the gifted*, ۱۹۹۱ (Fal), Vol. ۱۵(۱), ۲۰-۳۰.
- ۱۸- Gelbrich, Judith A. & Hare, Evelyn K. (U Oregon) The effects of single parenthood on school achievement in a gifted p; population. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۹ (Sum), Vol. ۳۳(۳), ۱۱۵-۱۱۷.
- ۱۹- Hoge, Robert D. (Carleton U. Ottawa, ON. Canada) An examination of the giftedness construct. Special Issue: The education of the gifted child in Canada. *Canadian Journal of Education*. ۱۹۸۹ (Win), Vol. ۱۴(۱), ۶-۱۷.
- ۲۰- Kitano, Margie K. & Levine, Elaine S. (San Diego State U, Coll of Education, CA) For parents : Recognizing and changing inappropriate services through an interactional approach. *Roepers Review*, ۱۹۸۹ (Dec), Vol. ۱۲(۲), ۱۰۸-۱۱۱-Pro.
- ۲۱- Kitano, Margie K. (San Diego State U, CA) A multicultural educational perspective on serving the culturally diverse gifted. *Journal for Education of the gifted*, ۱۹۹۱ (Fal), Vol. ۱۵(۱۰), ۴-۱۹.
- ۲۲- Luftig, Richard L. & Nichols, Marci L. (Miami U, Oxford, OH) An assessment of the social status and perceived personality and school traits of gifted students by non-gifted peers. *Roepers Review*, ۱۹۹۱ (Apr), Vol. ۱۳(۳), ۱۴۸-۱۵۳.
- ۲۳- Moss, Ellen. (U Quebec, Montreal, Canada) Social interaction and metacognitive development in gifted preschoolers. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۹۰ (Win), Vol. ۳۴(۱), ۱۶-۲۰.
- ۲۴- Rycraft, Joan R. (U Illinois, School of Social Work, Urbana) Behind the walls of poverty: Economically disadvantaged gifted and talented children. Special Issue: Young gifted children: Identification, programming, and socio-psychological issues. *Early Child Development & Care*, ۱۹۹۰ (Oct), Vol. ۶۳, ۱۳۹-۱۴۷.
- ۲۵- Webster, E. Carol. (Private practice. Plantation, FL) Gifted and talented minorities. *Psychotherapy in Private Practice*, ۱۹۸۹, Vol. ۷(۳), ۱۱۵-۱۳۱.
- ۲۶- Welch, John. (National Assn for Gifted Children, London, England) The individual needs of gifted children. *Support for Learning*, ۱۹۸۷ (Nov), Vol. ۲(۴), ۱۹-۲۶.
- ۲۷- Wolf, Joan S. (U Utah, Program in Gifted Education, Salf Lake City) Consultation for parents of young gifted children, *Roepers Review*, ۱۹۸۹ (May), Vol. ۱۱(۴), ۲۱۹-۲۲۱.
- ۲۸- Zimmerman, Barry J. & Martinez-Pons, Manuel, (City U New York Graduate School & University Ctr, Program in Educational Psychology) Student differences in self-regulates learning: Relating grade, sex, and giftedness to self-regulated and strategy use. Special Secword Motivation and efficacy in education: Research and new directions. *Journal of Educational Psychology*, ۱۹۹۰ (Mar), Vol. ۸۲(۱), ۵۱-۵۹.



سیر تحقیقات درباره تیزهوشان

در سال ۱۹۸۵ میلادی، بیش از ۱۲۹ مطالعه پیرامون تیزهوشان در سراسر جهان انجام یافته است که می توان آنها را به ۵ بخش اساسی برحسب موضوع، تقسیم نمود: آموزش و پرورش، تشخیص، روانشناسی، کلیات، مشاوره.

۱- آموزش و پرورش:

این بخش، بالاترین فراوانی را با ۵۷ مطالعه (۴۴٪) به خود اختصاص می دهد. موضوعات فرعی این بخش شامل برنامه ریزی آموزشی، روشهای تدریس، مواد آموزشی، وسایل کمک آموزشی، ویژگیهای هیأت های علمی تیزهوشان، فضاهای آموزشی ویژه، اقدامات تربیتی و پرورشی مربوط و ... می باشد.

۲- تشخیص:

دومین رتبه از لحاظ فراوانی و تعداد پژوهش، به بخش تشخیص با ۳۲ مطالعه (۲۵٪) اختصاص دارد. بررسی روشهای نو در تشخیص، سنجش و گزینش تیزهوشان، مطالعه «اعتبار» Validity و «ثبات» Reliability آزمونهای هوشی، خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، رهبری و استعداد تحصیلی و تحلیل عاملی برخی از ساختارهای هوشی و زیر مجموعه های اساسی بخش تشخیص را تشکیل می دهد.

۳- روان شناسی:

در بخش روانشناسی تیزهوش، ۱۷ پژوهش انجام یافته است که به کندوکاو پیرامون ویژگیهای شخصیت، بازخوردشناسی، نظام انگیزشی و عاطفی، توانایی‌های شناختی و ذهنی، الگوهای رفتاری و تحول روانی تیزهوش می پردازد. بخش مزبور با ۱۳٪ فراوانی، رتبه سوم مطالعات را اشغال می کند.

۴- کلیات:

در میان عناوین و موضوعات تحقیقاتی، قریب به ۱۲ مطالعه در موضوعات متفرقه مانند بررسی ویژگیهای محیطی، نظریه پردازی ها، شناخت مفاهیم ویژه و تحلیل ادبیات و مطالعات مربوطه و ... با فراوانی ۹٪ انجام گرفته است.

۵- مشاوره:

۱۱ مطالعه درباره اصول مشاوره و راهنمایی ویژه تیزهوشان و مشکلات و مسائل روانی آنان بعمل آمده است که ۹٪ فراوانی دارد.

